

Couples' privacy from the perspective of Islamic jurisprudence and international documents and treaties

 Marzieh Karat

Abstract

The issue of privacy, as a fundamental and moral principle, has a special importance and status; To the extent that it can be considered one of the most important human rights issues. The privacy of human beings has always been respected and upheld in various societies with different cultures. International documents and treaties related to the family, as well as the related international organization, have a great impact on discourse, flow and culture, and on the other hand, international documents and treaties on Iranian domestic laws and rights related to women And the family has had a significant impact to some extent. By following the jurisprudential sources and international documents and treaties and relying on the opinions of international and domestic lawyers, we can identify examples of couples' privacy and analyze international documents and treaties. From the perspective of Islamic jurisprudence and domestic law of Iran and examined the differences in Islamic jurisprudence and international documents and treaties; This is because states must accept international instruments and treaties in their absolute and general terms or act conditionally and within the framework to which they have agreed to accept them. In Islamic jurisprudence, examples of the privacy of couples are stated with its documents, and in case of conflict with the rights of the couple; This right is restricted or violated. Therefore, in case of conflict between the most important right and the criterion of strengthening and expediency of the family, the title of ohm will be given priority, but in international documents and treaties, the inviolability of the dignity and privacy of individuals has been mentioned and this has made Islam comprehensive. It has become human in all walks of life.

Keywords: privacy, international instruments, international treaties, marital relations

حریم خصوصی زوجین از منظر فقه اسلامی و اسناد و معاهدات بین‌المللی

مرزیه کرات^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

چکیده

مساله حریم خصوصی به عنوان یک اصل بنیادین و اخلاقی، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تا حدی که می‌توان آن را در زمره مهم‌ترین، موضوعات حقوق بشری قرار دارد. حریم خصوصی انسان‌ها، در جوامع گوناگون با فرهنگ‌های متفاوت، همواره تکریم و حمایت شده است، این اصطلاح علی‌رغم پیشینه‌ای طولانی، به صورت چنین واژه‌ای مرکب، اصطلاحی نوظهور است که در گستره فقه و حقوق سابقه‌ای کوتاه مدت دارد. اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوط به خانواده و همچنین سازمان بین‌المللی مربوط به آن، تاثیر زیادی در گفتمان‌سازی، جریان‌سازی و فرهنگ‌سازی دارند و از طرف دیگر، اسناد و معاهدات بین‌المللی بر قوانین و حقوق داخلی ایران مربوط به زنان و خانواده، تا حدودی تاثیر قابل توجهی داشته است با تتبع در منابع فقهی (کتاب، سنت، آرای فقهاء) و اسناد و معاهدات بین‌المللی و تمسک به آراء حقوق‌دانان بین‌المللی و داخلی کشور، می‌توان مصادیق حریم خصوصی زوجین را شناسایی کرده و به تحلیل اسناد و معاهدات بین‌المللی از منظر فقه اسلامی و حقوق داخلی ایران پرداخته و تفاوت‌های موجود در فقه اسلامی و اسناد و معاهدات بین‌المللی را مورد بررسی قرار داد؛ از این جهت که دولت‌ها، اسناد و معاهدات بین‌المللی را باید به طور مطلق و کلی بپذیرند یا به صورت مشروط و در چارچوب که در مورد پذیرش آن، توافق کرده‌اند به آن عمل کنند.

۱. استاد حوزه علمیه مرکز مدیریت قم، طلبه سطح چهار، رشته فقه خانواده، حوزه رفیع المصطفی

m.korat90@gmail.com

در فقه اسلامی مصادیق حریم خصوصی زوجین با مستندات آن، بیان شده است و در صورت تراحم با حقوق زوجیت؛ این حق، محدود یا نقض می‌شود. بدین جهت که در فرض تراحم حق اهم با معیار تحکیم و مصلحت خانواده، عنوان اهم مقدم خواهد شد ولی در اسناد و معاهدات بین‌المللی به طور عمومی اشاره به غیر قابل تعرض بودن حیثیت و حریم شخصی افراد شده است و همین امر موجب جامعیت دین اسلام در تمام زوایای زندگی بشری شده است.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، اسناد بین‌المللی، معاهدات بین‌المللی، روابط زوجین

مقدمه

حریم خصوصی یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر است که به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان، با حفظ کرامت و شخصیت و استقلال افراد و امنیت روانی انسان‌ها، ارتباط عمیقی دارد. رعایت این حریم در روابط زوجین مورد توجه قرار گرفته و هریک از همسران با اتکا به حقوق مسلم انسانی خویش، این حق را دارند و می‌توانند حریم خود را در زندگی مشترک حفظ کنند تا جایی که احترام به حریم خصوصی زوجین را از موارد «حسن معاشرت» تلقی کرد.

اسناد و معاهدات بین‌المللی مربوط به خانواده به خاطر این‌که با اقبال بسیاری از کشورها مواجه شده است و برای سنجش رفتارهای بشری و عملکرد دولت‌ها نسبت به حقوق بشری و خانواده مورد استفاده قرار می‌گیرد و به صورت غیرمستقیم و بعضاً مستقیم وارد ادبیات داخلی کشورها شده است بدین جهت واکاوی و بررسی محتوای اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. رابطه بین سند و معاهده رابطه عام و خاص مطلق است و معاهده اخص از سند است زیرا سند بین‌المللی ممکن است به توافق دولت‌ها منجر نشده باشد و برای آنان الزام حقوقی ایجاد نکند. اعلامیه جهانی حقوق بشر جز اسناد بین‌المللی شمرده می‌شود؛ زیرا سه سال پس از تأسیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید و حاوی حقوقی است که همه انسان‌ها صرف نظر از جنسیت، نژاد، دین، مذهب، تابعیت و سایر ممیزات از آن برخوردارند. مفاد این اعلامیه از نظر بسیاری از پژوهشگران الزام‌آور بوده و به همین دلیل، برای سنجش رفتار کشورها به کار می‌رود. برخی کشورها به مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر استناد کرده و آن را در قوانین بنیادی یا قانون اساسی خود گنجانده‌اند. بنابراین مفاد اعلامیه از اهمیت زیادی برخوردار است. اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق و آزادی‌هایی را شناسایی کرده و مورد حمایت قرار داده و در بخشی از موارد ذکر شده به حریم خصوصی افراد اشاره کرده و غیر قابل تعرض بودن حریم خصوصی افراد را بیان کرده است. ولی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

سیاسی از معاهدات بین‌المللی مرتبط با زن و خانواده محسوب گردیده است و با توجه به اینکه اعلامیه حقوق بشر «معاهده» نیست و مفاد آن برای دولت‌ها به طور مستقیم الزام‌آور نیست؛ بدین جهت سازمان ملل در صدد برآمد تا محتوای اعلامیه را با تفصیل بیشتری در دو سند جداگانه تنظیم و آن را به امضای کشورهای مختلف دنیا برساند. این دو سند همان میثاقین، یعنی «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» و «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» است. این دو میثاق در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی (۱۳۴۵ شمسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. مواردی از این دو معاهده به امور زنان و خانواده اختصاص دارد که به طور خاص، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به غیر قابل تعرض بودن حریم زندگی خصوصی افراد و شرافت و حیثیت آنان پرداخته است.

با تحقیق و تفحصی که در مقاله‌های موجود در دانشگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی مربوطه انجام گرفت؛ ملاحظه شد که در باب مصادیق حریم خصوصی زوجین و تعارض آن‌ها با حقوق زوجیت، مقاله‌هایی نوشته شده است ولی در خصوص تطبیق آن‌ها با اسناد و معاهدات بین‌المللی مقاله‌ایی تدوین نگردیده است.

برای تبیین مصادیق حریم خصوصی زوجین، مستندات فقهی (کتاب، سنت، آرای فقهاء) و حقوقی اسناد و معاهدات بین‌المللی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته و تفاوت‌های موجود بین فقه و اسناد و معاهدات مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

مفهوم اسناد و معاهدات: هدف از مفهوم شناسی، چارچوب و ماهیت بحث را مشخص می‌کند. دو واژه «سند و معاهدات» معادل و هم معنی هم نیستند و باید جداگانه مورد بررسی قرار بگیرند (اسناد اعم از سند است).

الف) سند: اسناد جمع سند به چیزی گفته می‌شود که بتوان به آن اعتماد کرد. در حقوق مدنی در ماده «۱۲۸۴» در تعریف سند اینگونه آمده است: «سند عبارت است از: هر

نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. گاهی مقصود از سند، مطلق دلیل، اعم از مکتوب و لفظی است. در این صورت، سند معادل واژه مدرک است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۳۶۴)

در ادبیات حقوق بین‌الملل واژه «ACT» یا سند به کار برده می‌شود که برای بیان قواعد حقوقی مربوط به کنوانسیون هست و بعضاً به اسنادی که ایجاد کننده یک رژیم حقوقی خاص است؛ نیز اشاره دارد.

ب) معاهدات

- **معنای لغوی معاهده:** معاهده^۱ مصدر باب مفاعله از «عهد» به معنی پیمان است. با توجه به مفهوم باب «مفاعله» که مفید معنای مشارکت یا طرفینی بودن یک عمل است؛ معاهده به تعهداتی گفته می‌شود که حداقل دو طرف دارد و با تعهد یک جانبه مانند نذر و قسم یا شرط بدوی تفاوت دارد. با توجه به وصف «بین‌المللی» در اصطلاح مورد بحث، طرف‌های معاهده دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی هستند.
- **معنای اصطلاحی معاهده:** معنای اصطلاحی معاهده بین‌المللی به معنای لغوی آن نزدیک است. بعضی اساتید حقوق بین‌الملل در تعریف معاهده آورده‌اند: «هر گونه توافق منعقد شده میان تابعان حقوق بین‌الملل به منظور حصول آثار حقوقی معینی طبق مقررات حقوق بین‌الملل» (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ۹۶)

مطابق ماده ۲ معاهده ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات، «معاهده عبارت است از توافق بین‌المللی دولت‌ها که به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص و اعم از این که در سندی واحد یا در دو یا چند سند مربوط به هم منعکس شده باشد». تعریف اخیر، معاهده را «توافق کتبی» بین دولت‌ها می‌داند؛ در حالی که تعریف نخست از این جهت اعم است. به هر صورت، اگر

بخواهیم معاهده را در یک جمله کوتاه معنی کنیم باید بگوییم: معاهده در حقوق بین‌الملل به «قرارداد بین‌المللی» گفته می‌شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ۶۷۰)

- **مفهوم حریم خصوصی:** واژه «حریم» در فقه به معنای منع است؛ یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن برای غیر صاحبش ممنوع است (مجلسی، ۱۴۰۶، ۶، ۲۴۱)، افزون بر آن حریم را هر امر ممنوعی دانسته‌اند که هتک آن جایز نباشد. (سعدی ابوجیب، ۱۴۰۸: ۸۶)

حریم از ریشه «حَرَم» و به معنای منع کردن و باز داشتن است و حرم را از آن جهت حرم گویند که هتک آن ممنوع و تحریم شده و حریم به معنای چیزی است که انسان از آن دفاع می‌کند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۴، ۱۸۹)

فقها اصطلاح حریم را بیشتر در برابر مال و جان و عرض به کار برده‌اند. بدین معنا که حریم را چنین توصیف می‌کنند: «چیزی که انسان از آن دفاع و حمایت می‌کند و بر سر آن می‌جنگد» (ابن منظور، ۱۴۰۴، ۱۲، ۱۲۵) و در ابواب احیای موات (حلی، ۱۳۸۷، ۲، ۲۳۲)، جهاد (نجفی، ۲۱، ۱۶) و دفاع (جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۴۹؛ موسوی خمینی، ۱، ۴۸۷) به تبیین آن پرداخته‌اند و بیشتر در برابر حمایت از مصادیق حریم خصوصی پرداخته‌اند، اما به صورت مستقل به آن توجه نشده است و عنوان خاصی با این وصف تدوین نکرده‌اند، بلکه از فحوای متون فقهی می‌توان به درک این واژه واصل شد.

به تعبیری می‌توان گفت روش اسلام در این خصوص به صورت تحویل گرایانه است؛ یعنی در قالب احکام، حقوق و اصول دیگر از جمله حق مالکیت، منع غیبت، تهمت، تجسس، اشاعه فحشاء و هتک ستر، سوءظن، استراق سمع، تعرض‌ناپذیر بودن حقوق مربوط به شخصیت انسان و نظایر آن به این موضوع پرداخته و به نوعی آن را مورد واکاوی قرار داده است. (علی اکبری بابوکانی، ۱۳۹۱، ۶۲)

حریم خصوصی در حقوق

با توجه به این که حق حریم خصوصی به عنوان یکی از ملموس‌ترین حقوق، برای هر فردی شناخته شده است، اما حقوق دانان، نتوانسته‌اند به تعریف واحدی دست یابند. به دیگر معنا تعریفی که با پذیرش عمومی مواجه باشد وجود ندارد (انصاری، ۱۳۸۶، ۱۹-۱۱) و به اذعان برخی از این صاحب‌نظران، تعریف مورد وفاق و اجماع از این اصطلاح بسیار دشوار است (انصاری، ۱۳۸۴، ۱۲). تحقیق در منابع حقوق اسلام نشان می‌دهد که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است. حریم خصوصی منازل، ممنوعیت تجسس، استراق سمع، سوء ظن، خیانت در امانت، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی بیش از ۱۴۰۰ سال پیش مورد تاکید اسلام قرار گرفته است. آیات متعدد قرآن و سنت پیامبر اسلام^۱ و ائمه^۲ دلالت بر ضرورت و جوب رعایت شخصی دیگران و حرمت نقض آن و در نتیجه ضمانت اجرای دنیوی و اخروی آن دارد. در حالی که اولین جرعه‌های حمایت جدی از حریم خصوصی حتی در مواضع تحویل گرایان سنت غرب به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی برمی‌گردد. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۶۶)

آرتور میلر^۱ نویسنده آمریکایی (۱۹۱۵) حریم خصوصی را مفهومی بسیار مبهم و شکننده دانسته است. ویلیام بی نی^۲ حقوقدان آمریکایی (۱۹۹۴) معتقد است: «حتی جدی‌ترین مدافعان حق حریم خصوصی باید اعتراف کنند که مشکلات جدی در تعریف ذات و قلمرو این حق وجود دارد»

در یک جمع‌بندی کلی تعریف‌هایی که درباره حریم خصوصی ارائه شده، ناظر به یکی از این وجوه است: (سروش، ۱۳۹۳، ۱۲)

- حریم خصوصی یعنی دسترسی محدود به خود و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته به انسان؛

^۱ Arthur miller

^۲ William beaney

- حمایت از شخصیت و کرامت انسانی؛
- رابطه نزدیک و متقابل حریم خصوصی و صمیمیت؛
- کنترل بر اطلاعات شخصی؛
- پنهان ماندن از دیگران و محرمانه نگاه داشتن برخی امور از آن‌ها؛
- حق تنها ماندن.

حریم خصوصی در زمره یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر شناخته شده است و در بسیاری از اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر نظیر، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ «هرکس حق زندگی خصوصی - آزادی و امنیت شخصی دارد» و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ «هیچ‌کس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خود سرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود» به غیر قابل تعرض بودن آن تصریح شده است.

شورای اروپا در دستور عملی که در باره حریم خصوصی صادر کرده، موارد زیر را حریم خصوصی شمرده است. (حکمت نیا، ۱۳۹۰، ۱۶۵)

۱. برخورداری از زندگی با سلیقه شخصی افراد؛

۲. کمترین مداخله دیگران در قلمرو حریم خصوصی.

این حق در کنگره‌های متعددی چون کنگره بین‌المللی حقوق‌دانان در وین، سال ۱۹۵۵، کنگره حقوق‌دانان در استکهلم، سال ۱۹۶۷ و کنگره اتحادیه بین‌المللی حقوق‌دانان در لندن، سال ۱۹۶۹ بحث شد (کاتبی، ۱۳۵۹، ۴۲-۴۳) بنابراین در اسناد بین‌المللی حریم خصوصی به عنوان یک حق، پذیرفته و شناسایی شده است.

متعاقب این اقدامات در سطح بین‌المللی، دولت‌ها برای به رسمیت شناختن این حق در قوانین اساسی و عادی خود مقرراتی را وضع کردند. اگر چه ایران نیز همسو با دیگر

۱. ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر

۲. ماده ۱۷-۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

کشورها حریم خصوصی را شناسایی و حمایت کرده است و در قوانین عادی^۱ و اساسی^۲ از برخی مصادیق آن حمایت صریح یا ضمنی نموده است، اما باید گفت در نظام حقوقی ایران حریم خصوصی به صورت مشخص حمایت نشده است، بلکه حقوق و آزادی‌هایی که تحت عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند؛ انفرادی و در بطن سایر قواعد مختلف حقوقی نظام حقوقی ایران هر چند ناقص حمایت شده‌اند (انصاری، ۱۳۸۶، ۳۵).

مستندات فقهی حریم خصوصی

حق حریم خصوصی نیز همچون هر موضوع دیگری مبتنی بر اساس و مبانی است که آن را اثبات و شاکله آن را ایجاد می‌کند. این حق به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مصادیق حقوق بشر و انسانی، هم در نظام اسلامی و هم در نظام حقوقی حمایت شده است، از آنجا که خانواده مصداق بارز حریم خصوصی محسوب می‌شود، بنابراین ادله عام حریم خصوصی بر مباحث حقوقی خانواده، سایه افکنده و آن را تحت لوای عام خود قرار می‌دهد.

۱. حریم خصوصی در آیات

اجتناب از گمان بد، تجسس و غیبت در اسلام: خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره مبارک حجرات^۳ حکم غیبت را بیان فرموده‌اند؛ بخش نخست آیه، مترصد بیان این معناست که اگر درباره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر نده (طباطبایی،

۱. از جمله می‌توان به مواد ۵۸۲، ۶۴۸، ۶۹۱ و ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی و مواد ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰ و ۱۰۳ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ اشاره کرد.

۲. در قانون اساسی ایران متن مشخصی مبنی بر حمایت از حریم خصوصی وجود ندارد، اما در اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۲ می‌توان توجه به برخی موارد حریم خصوصی از جمله حریم خلوت مکانی، اطلاعات و ارتباطات و حریم جسمانی را از میان این اصول دریافت (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۶۹).

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا...»؛ «ای اهل ایمان از بسیار پندارها (و گمان بد) در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها (باطل و بی‌حقیقت و) معصیت است، و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید (و جاسوس بر احوال خلق مگمارید) و...».

۱۳۹۳، ۱۸، ۳۲۳). بخش دوم آیه، پی‌گیری و تفحص از امور مردم را منع می‌فرماید؛ اموری که مردم عنایت دارند، پنهان بماند و شخص آن‌ها را پی‌گیری کند تا خبردار شود. (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱۸، ۴۸۴) و بخش سوم، از بیان عیوب دیگران در غیاب آن‌ها انتظار می‌نماید. بنابراین این آیه می‌تواند دلیلی بر قبح نظر به حریم خصوصی افراد در همه صورت‌های آن اعم از صوت، تصویر و کتابت باشد.

حکم این آیه و دستورات الهی در قلمرو خانواده و به ویژه در روابط زن و شوهر می‌تواند از بسیاری از مشکلاتی که زوجین در زندگی مشترک با آن‌ها مواجه هستند؛ جلوگیری کند، چراکه گمان بد سرچشمه تجسس و تجسس موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی و آگاهی بر این امور، سبب غیبت می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲، ۱۸۴). هر کدام از این اعمال حرام سبب ورود و نقض حریم خصوصی زوجین شده و دیگری را به عکس‌العمل در مقابل آن وا می‌دارد تا جایی که زندگی مشترک را در سرائی بی سقوط سوق می‌دهد.

ممنوعیت ورود به منازل و حریم جنسی زوجین بدون اذن: در آیات ۲۷ و ۲۸

سوره مبارک نور^۱ خداوند متعال ورود به حریم منازل اشخاص را منوط به استیناس و استیزان نموده است. «استیناس» یعنی هنگام ورود به منزل دیگران، باید خود را معرفی کرده و آشنایی‌های لازم به صاحب منزل داد تا وی در صورت تمایل در را بگشاید. «استیزان» نیز یعنی پیش از ورود به منزل از صاحب منزل کسب رضایت نماید و ورود به حریم منازل اشخاص و کشف اسرار آن‌ها را بدون اجازه صاحب خانه ندارد. در این آیه احکام حقوقی و اخلاقی در هم تنیده شده است. از نظر حقوقی، اشخاص موظف به احترام به مسکن و آزادی ساکنان آن هستند که این امر در راستای مصالح اشخاص است. به همین سبب خداوند در ادامه آیه این کار را نیکو می‌شمارد (زحیلی، ۱۴۲۱، ۲، ۱۷۴۴). افزون بر آن، با به کار

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید! و اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد: «بازگردید!» بازگردید این برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

بردن عبارت‌های «تستأنسوا» و نه «تستأذنوا» به این امر اذعان می‌دارد که در کسب اجازه باید جنبه‌های اخلاقی نیز رعایت شود، زیرا جمله دوم فقط اجازه گرفتن را بیان می‌کند، در حالی که جمله اول که از ماده «انس» گرفته شده اجازه‌ای توأم با محبت و لطف و آشنایی و صداقت را می‌رساند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۴، ۴۲۷).

روابط زن و شوهر روابط خاصی است که نسبت به فرزندان آن‌ها حریم محسوب می‌شود؛ از این رو قرآن کریم با دستورات حقوقی، اخلاقی و تربیتی وضعیت‌های مختلفی را مطرح می‌کند؛ برای مثال به وضعیت کودکانی که به سن بلوغ رسیده‌اند توجه کرده و در آیه ۵۹ سوره نور می‌فرماید: «و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از ایشان بودند اجازه می‌گرفتند...». همچنین در آیه ۵۸ همان سوره، خداوند متعال در یک دستور تربیتی کودکان نابالغ و بردگان را موظف می‌کند در سه زمان (پیش از نماز صبح، بعد از ظهر و بعد از نماز عشا) که برای والدین زمان خصوصی محسوب می‌شود برای ورود به مکان استراحت والدین اذن دخول بگیرند.

در این آیه با صراحت به ماهیت خلوت بودن آن‌ها اشاره می‌کند و با عبارت «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ» به حکمت چنین امری اشاره می‌کند و می‌فرماید: «این سه موقع سه عورت است برای شما، که طبعاً شایسته نیست غیر از شما کسی بر وضع شما آگاه شود» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ۱۵، ۱۶۳).

۱. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا این سه وقت خصوصی برای شماست اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است».

۲. سلطه بر خویش

سلطه انسان بر خویش به عنوان قاعده فقهی، مورد قبول فقهاست (حکیم، ۱۴۱۶، ۱۳، ۳۸۴) و از آن به عنوان «قاعده سلطنت» «الناس مسلطون علی انفسهم» یاد می‌کنند، یعنی هر یک از مردم اختیار خود را دارند.

۳. حیثیت انسانی

در احکام اسلامی، همان‌طور که جان و مال انسان‌ها از حرمت بر خوردار است، شخصیت آن‌ها نیز از کرامت و احترام بر خوردار است. از این رو هرگونه بی حرمتی به شخصیت انسان‌ها ممنوع بوده و حرام است. فقه‌های اسلامی، حکمت بسیاری از احکام شرعی را در جهت حفظ شخصیت که از آن به «عرض» تعبیر می‌کنند، دانسته‌اند. مثلاً حضرت امام خمینی (ره) حرمت غیبت و بدگویی در غیاب افراد را دستوری برای حفظ عرض مومن می‌داند. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ۱، ۴۴۴)

۴. فطری بودن حریم خصوصی

برخی از اندیشمندان معتقدند که داشتن حریم خصوصی نیازی فطری است که ضرورت آن بدون استدلال عقلی و از طریق شهود، قابل درک است، تحقیقاتی که برخی انسان‌شناسان انجام داده‌اند، مؤید همین امر است (انصاری، ۱۳۸۶، ۴۰).

۵. نفی حرج

در فقه اسلامی در زمینه احکامی که زندگی را بر انسان سخت می‌کند و فرد را در تنگنا قرار می‌دهد، از قاعده «لا حرج» به عنوان اصل حاکم استفاده می‌شود. با این اصل و قاعده فقهی، وجوب، حرمت، یا اباحه‌ای که منشا مشقت و سختی لا یتحمل می‌گردد، طبق آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»^۱ برداشته می‌شود.

در مساله حریم خصوصی زوجین، نیز چنین استدلال می‌شود که مجاز بودن افراد برای ورود به زندگی خصوصی یکدیگر برداشته می‌شود و اگر همه ابعاد و جزئیات زندگی انسان در دسترس همگان قرار گیرد و اگر هر کس بدون هیچ‌گونه مانع و محدودیتی از هر سخن و هر نوشته و هر چه متعلق به دیگران است، اطلاع پیدا کند، زندگی در این صورت برای هیچ‌کس و به طور خصوصی برای زوجین، قابل تحمل نخواهد بود.

مصادیق حریم خصوصی زوجین

روابط میان اعضای خانواده شامل روابط زن و شوهر با یکدیگر و روابط والدین با فرزندان است و دو جلوه از حریم خصوصی، یکی حریم زوجین و دیگری حریم فرزندان در خانواده مشاهده می‌شود. با واکاوی روابط همسران می‌توان در گستره زناشویی دو نوع حریم را متصور دانست؛ ابتدا حریمی که زن و شوهر نسبت به دیگران دارند و افراد دیگر حق ورود بدون اجازه به این حریم را ندارند. دوم، حریمی که هر یک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند و برای ورود به آن حریم باید اذن ورود داشته باشند. منظور از حریم در روابط زوجین، مفهوم اخیر است.

با توجه به مصادیق ذکر شده و دیدگاه حقوق‌دانان می‌توان گفت؛ انتظار افراد مبنی بر اینکه در محدوده‌ای از زندگی شخصی خود، بدون دخالت دیگران و در امنیت و آرامش زندگی کنند؛ توقعی منطقی است. توجه به این حریم، در موارد مختلفی متصور است که به طور کلی حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی اطلاعات و حریم خصوصی ارتباطات چهار مقوله مهم و مطرح در فصل احترام به حریم خصوصی دیگران است و از میان این مصادیق، می‌توان سه مصداق حریم اطلاعاتی، ارتباطی و جسمانی را برای هر یک از زوجین حریم خصوصی تلقی کرد. از آنجا که در روابط زوجین، حریم مکانی، منزلت و جایگاه ندارد، از سایر مصادیق کلی خارج شده و سه مصداق فوق در گستره روابط زوجین موردبررسی قرار می‌گیرد.

الف) حریم اطلاعاتی: عبارت از حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به شخص، مگر در موارد مصرح قانونی است (اصلانی، ۱۳۸۴، ۲۸). به نظر می‌رسد داده‌های شخصی شامل تمامی مشخصات و اطلاعات شخص اعم از اطلاعات مالی، اطلاعات مربوط به سلامت جسمانی و روانی، عقاید دینی و... باشد. تا جایی که این داده‌ها با آزادی، استقلال و کرامت انسانی مرتبط است (انصاری، ۱۳۸۶، ۲۶۴).

در مورد حریم اطلاعاتی زوجین باید گفت: اگرچه روابط عاطفی عمیق میان زوجین امکان دستیابی به اطلاعات شخصی هر یک از همسران را در برابر دیگری سهل و هموار می‌سازد، اما چه بسا جست‌وجو در این اطلاعات از طرف زوجین، واکنش یکدیگر را در پی داشته و رفته‌رفته بذریعۀ اعتمادی را در خانواده بکارد. بنابراین شایسته است رازهای شخصی زوجین و زندگی خصوصی دوستان و آشنایان هر کدام از زوجین جزء حریم اطلاعاتی هر یک از آن‌ها قلمداد شود و در نتیجه لازم نیست نزد همسر بیان شوند. مواردی مانند پس انداز مالی همسران پیش از بستن پیمان زناشویی و نیز میراث خانوادگی آن‌ها، جزء داشته‌های خصوصی هر کدام از همسران است و نیازی به اشتراک گذاشتن آن‌ها با یکدیگر نیست، بنابراین اطلاعات مالی شخصی، داده‌های رایانه‌ای و تلفن همراه و مانند آن، اطلاعات شخصی هر یک از زوجین پیش از ازدواج و روابط خصوصی آن‌ها و... می‌تواند در روابط همسران جزء حریم اطلاعاتی تلقی شود.

ب) حریم جسمانی: حق اشخاص در حمایت و مصون ماندن از تعرض تمامیت جسمانی و بدنی؛ از جمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و همچنین مشخصات و خصوصیات محرمانه بدنی آن‌ها، حریم جسمانی نامیده می‌شود (اصلانی، ۱۳۸۴، ۲۸). بنابراین مصداق فوق در خصوص حمایت و حفاظت از تمامیت جسمانی و اطلاعات مربوط به سلامتی انسان است؛ چرا که هر انسان به طور طبیعی بر بدن و جسم خویش سلطه دارد و به طور فطری خواستار آزادی و رعایت حرمت آن است. از مصادیق این نوع از حریم در

روابط زوجین می‌توان به مواردی همچون ملزم نبودن هر یک از همسران به انجام دادن فعالیت‌های ورزشی و مراقبت‌های تغذیه‌ای خاص بدون آن که این امور در سلامت فرد تاثیر داشته باشد، اشاره کرد. لازم به توضیح است، هرگاه این امور، سلامت هر یک از همسران و زندگی مشترک را تحت تاثیر قرار دهد، خارج از حیطه حریم خصوصی است. (پور عبدالله، ۱۳۹۳، ش ۶۶)

ج) حریم ارتباطات: عبارت است از حق اشخاص در امنیت و محرمانه ماندن محتوای کلیه اشکال و صور مراسلات و مخابرات متعلق به افراد و اطلاعات مربوط به آن. (اصلانی، ۱۳۸۴، ۲۸) این مقوله از حریم خصوصی، به طور کلی امنیت پست‌های الکترونیک، تلفن، پست و سایر اشکال ارتباطات را عهده‌دار است. فهم عرفی از حریم ارتباطات، شامل ابزارهای جدید چون شبکه‌های اجتماعی که ارتباطات مجازی و الکترونیکی را محسوب می‌شوند، نیز هست. در صورتی که «بند ۷ ماده ۱ لایحه حریم خصوصی»^۱ با تفسیری عام کلیه اشکال ارتباط افراد در جامعه از جمله ارتباط‌های حضوری را شامل می‌شود. بنابراین دامنه چنین حریمی شامل امنیت پست‌های الکترونیک، پست، اینترنت و کلیه انواع ارتباطات، اعم از مستقیم و غیر مستقیم، حضوری، مکتوب یا تلفیقی از آن‌ها می‌شود. این نوع حریم خصوصی در باب همسران می‌تواند به ابعادی از شخصی بودن ارتباط‌های هر یک از زوجین با سایر افراد جامعه اطلاق شود، به طوری که انواع ارتباطات انسانی اعم از باواسطه یا بی‌واسطه را شامل شده و ارتباطات فیزیکی - حضوری و الکترونیکی و غیرمرتبط با زندگی مشترک را تحت لوای خود قرار دهد. هر چند با توجه به وابستگی زوجین و رابطه عاطفی بین همسران، شایسته است با در دسترس گذاشتن انواع ارتباطات مجازی چون تلفن همراه، پست الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و مانند آن، همین‌طور ارتباطات حضوری برای

۱. حریم ارتباطات اعم از ارتباطات کلامی - حضوری و کتبی، الکترونیکی، سیمی و... است که به وسیله‌ی آن هرگونه مکالمه یا انتقال پیام در اشکال کلامی حضوری، مکتوب، داده، متن، تصویر، صدا، علائم و نشانه‌ها یا در یک شکل ترکیبی از آنها انجام می‌شود.

همسر و نه لزوماً به اشتراک گذاشتن آن‌ها بخشی از فرآیند اعتماد سازی و تعهد را برای یکدیگر فراهم نمایند.

تزام حريم خصوصی زوجين با حقوق زوجيت

شرع مقدس اسلام برای خانواده قداست و منزلت خاصی قائل است. قرآن کریم از پیوند ازدواج به «پیمان محکم»^۱ یاد کرده است. نظر به جایگاه ویژه خانواده در اسلام، تلاش برای استواری روابط خانوادگی یک اقدام ستودنی و مستحق پاداش محسوب می‌شود. از آنجا که ثبات و پایداری بنیادی‌ترین نهاد اجتماع در پویایی و پیشرفت جوامع نقش مهمی دارد، اهمیت تحکیم خانواده به روشنی نمودار است؛ لذا حراست از خانواده و تلاش برای تقویت و تحکیم پیوندهای خانوادگی برعهده زوجین است، اما در مواردی بین حقوق زوجیت و حریم خصوصی زوجین تزام رخ داده، امکان انجام دادن هر دو ناممکن می‌شود. با این توضیح که تزام در مواردی است که دو قاعده حقوقی هم زمان موضوعیت یابند، به نحوی که امکان تحقق و اجرای یکی بیشتر نباشد و شخص در مرحله عمل باید دست به انتخاب زده و یکی را انجام دهد. فقها در ارائه راه حل این‌گونه موارد، بحث مرجحات باب تزام را مطرح کرده‌اند. یکی از این مرجحات تقدیم اهم بر مهم است (حسینی بهسودی، ۱۴۱۰، ۲، ۳۵۳)

علت تقدیم اهم بر مهم

بهترین دلیل تقدیم اهم بر مهم، عقل عملی است که آراء و سیره عقلا هم، موید آن است؛ زیرا فرض این است که جمع بین دو حکم متزام به هنگام امتثال، ممکن نیست. از سوی دیگر، ترک هر دو هم جایز نیست. از این رو، چاره‌ای جز انجام عمل براساس اختیار خویش نیست. قاعده «اهم و مهم» از مستقالات عقلی است که در آن به اخذ اهم و ترک مهم در فرض تزام اهم با مهم حکم شده است. (علیدوست، ۱۳۸۸، ۲۱)

۱. «مِيثَاقًا غَلِيظًا»؛ آیه ۲۱ نساء

شایان ذکر است فروض مطرح شده از موارد تراحم، در خصوص تراحم برخی مصادیق حریم خصوصی زوجه با حقوق زوج بررسی می‌شود؛ چرا که برای زوج به عنوان سرپرست خانواده نمی‌توان چنین فروضی را متصور کرد.

تراحم ریاست زوج و حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه

هر اجتماعی به حکم عقل می‌بایست سرپرست و مدیری داشته باشد تا با ایجاد نظم، ثبات و هماهنگی بین اجزا، آن را به سوی هدف مورد نظر هدایت و رهبری نماید. بر این اساس خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نظام اجتماعی و هسته نخستین جوامع بشری نیازمند سازماندهی و مدیریت مطلوب است تا با اتکا به آن اهداف خانواده سامان یابد. با توجه به این نکته و مبتنی بر ادله فقهی^۱ و تفسیری^۲ و حقوقی^۳ ریاست و سرپرستی خانواده با زوج است.

برای بقاء نظم در خانواده و پایداری آن، در مواردی ایفای این وظیفه از جانب زوج با حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه تراحم یافته، اعمال هر دو با یکدیگر ممکن نخواهد بود. با این بیان که زوج بنا بر به سرپرستی خویش حق خود می‌داند که اطلاعات شخصی زوجه را پایش، جست‌وجو و رهگیری کند؛ از سویی دیگر زوجه نیز با استناد به حریم خصوصی اطلاعاتی خود مانع کاوش زوج خواهد شد. یا در فرض دیگر زوج با اعتقاد به حق ریاست خویش بر خانواده خواستار تجسس در انواع ارتباطات همسر خویش از جمله، ارتباطات مجازی و حضوری شده و در مقابل زوجه حریم ارتباطی خود را نقض شده می‌یابد. در این صورت، تراحم اخلاقی یعنی عدم امکان امتثال دو یا چند تکلیف الزامی اخلاقی در زمان واحد، شکل

۱. الف: آیه ۳۴ سوره‌ی مبارک نساء «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۲۲۵)؛ ب: روایات (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۰)؛ ج: عقل.

۲. (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۱۶)؛ (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲۵)

۳. قانون‌گذار ایران نیز با تبعیت از شریعت مقدس اسلام، در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

می‌گیرد. در حل تراحامات اخلاقی، یکی از بهترین شیوه‌ها، ملاحظه نتایج افعال با توجه به غایت نهایی (قرب الهی) است؛ از این رو، در حل تراحامات اخلاقی باید به هدف اصلی، که قرب الهی است توجه نمود. اما تشخیص اینکه چه چیزی موجبات بیشتر قرب الهی را فراهم آورده و در نتیجه «هم» است، کار ساده‌ای نیست. در این خصوص باید برای تعیین «هم» ضوابط و معیارهایی را تعیین کرد تا بتوان اهم را از مهم تشخیص داد.

از این جهت که انسان اجتماعی آفریده شده و به ارتباط با دیگران متمایل است، به طوری که می‌توان گفت ارتباط با آحاد انسانی از حقوق هر انسانی است. با این بیان زوجه نیز از این امر مستثنی نخواهد بود. به خصوص امروزه در عصر دیجیتال و با رشد فناوری، علاوه بر ارتباطات حضوری - کلامی، انواع ارتباطات مجازی از جمله پست‌های الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و... رایج شده است. بنابراین با توجه به اجتماعی بودن زوجه و به دلیل عقلی آن نمی‌توان به طور مطلق ریاست شوهر را دلیل پایش و جست‌وجو در حریم ارتباطی زوجه دانست. از سویی دیگر، قیومت مرد بر همسرش به این معنا نیست که از اراده زن و تصرفات وی در اموالش سلب آزادی کند. یا اینکه در حفظ حقوق فردی و اجتماعی زن و دفاع از منافعش استقلال زوجه را نقض کند، بلکه زوجه، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع کند و نیز برای رسیدن به هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند، متوسل شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۴، ۳۴۴). به عبارت دیگر اسلام بر زن واجب نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی مختل شود (فضل‌الله، ۱۴۲۰، ۹۱). افزون بر آن دامنه ریاست شوهر در امور غیرمالی چون حریم خصوصی از دو جهت به مصلحت‌اندیشی و مراعات حقوق و آزادی‌های شرعی و قانونی زن محصور می‌شود (مقدادی، ۱۳۸۵، ۱۲۹). با این توصیف از آنجا که ریاست خانواده مقامی است که برای تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و یک امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۶، ۱۱۵) و از سوی دیگر ریاست زوج تنها به زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده محدود می‌شود و هیچ‌گاه متعرض حقوق و آزادی‌های مشروع زن و محدوده استقلال او نمی‌شود؛ لذا

می‌توان گفت، ریاست شوهر به طور مطلق جواز نقض حریم خصوصی زوجه را ایجاب نمی‌کند. همچنین شایان ذکر است معاشرت به معروف به عنوان یک اصل قرآنی و قانونی و یک حکم اخلاقی ثابت بر روابط زوجین سایه افکنده تا جایی که همه قوانین دیگر را در این باب پوشش داده و تفسیر می‌کند (مهریزی، ۱۳۹۰، ۲۵۹).

توصیه به معروف به شخصی تعلق می‌گیرد که دارای اختیاراتی است و امکان سوء استفاده برای او وجود دارد. و از این جهت که زوج، حق قیومیت بر زوجه را دارد و حق امر و نهی دارد، بنابراین احترام به حریم خصوصی، از موارد حسن معاشرت تلقی شده و در نتیجه ریاست شوهر مجوز نقض حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه نیست، اما بانگرشی دقیق به روابط زوجین و اهمیت و پایداری نظام مصالح خانواده، نقض حریم خصوصی زوجه را در برخی موارد، اقتضا می‌کند.

با مطالعه در سیره نبوی و ائمه اطهار این نکته را در می‌یابیم که در موارد مختلفی در زندگی خانوادگی خود، جاسوس می‌گماردند یا حتی خود ایشان به تجسس می‌پرداختند.

در روایتی از امام علی بن حسین (ع) در مورد کشف حال یکی از زنان خود که فردی او را متهم به خارجی بودن و ساب امیر المومنین (ع) بودن، نمود، تجسس فرمودند تا به حقیقت برسند و گزارش کننده را توبیخ نکرده و نفرمودند که چرا گزارش دادی و به اصل «اصاله الصحه» اکتفا ننمودند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴، ۴۲۵)

منع خروج زن از طرف زوج

حق منع خروج زن از حقوق زوج و از آثار ریاست شوهر در درون خانواده تلقی شده و به عنوان یک ضمانت اجرا برای حق استمتاع زوج و از نتایج آن دانسته شده است. با این توضیح که مرد بتواند از خروج همسرش ممانعت به عمل آورد و در مقابل زن نیز موظف باشد برای خروج از منزل از شوهر اذن بگیرد.

مطابق اصل اباحه و بر اساس آزادی و کرامت زن و برابری انسان‌ها خروج زوجه از منزل و معاشرت و ارتباطات او بی آن‌که با مفسده‌ای مقارن باشد، باید عملی جایز تلقی شود، اما با توجه به حق شوهر و تکلیف متقابل زن به تمکین، اعمال حریم ارتباطی زوجه با اشکال مواجه می‌شود. با سیری در منابع فقهی در این باب، گوناگونی آراء در میان فقهای امامیه مشاهده می‌شود به طوری که برخی از فقها، مطلق جواز خروج زن را منوط به اذن شوهر می‌دانند (طوسی، ۱۳۸۷، ۴، ۳۳۱؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۸، ۳۰۸؛ خمینی، ۱۴۲۲، ۲، ۳۰۳؛ نجفی، ۱۴۷، ۳۱)، ولو این‌که خروج زوجه منافاتی با منافع زوج نداشته باشد. با تصریح این نکته که زوجه نمی‌تواند بدون اذن زوج حتی برای دیدن والدینش و حضور در مراسم فوت یکی از بستگانش برود. بعضی دیگر نیز اگرچه در مواردی که خروج از خانه با حق جنسی زوج منافات نداشته باشد، اذن شوهر را لازم نمی‌دانند، اما از نظر اخلاقی و بنابر احتیاط، کسب اجازه را نیکومی‌شمارند (خویی، ۱۴۱۰، ۲، ۲۸۹). در نهایت برخی از معاصرین نیز با پذیرش وجود اذن شوهر برای خروج زوجه از منزل، استثنائات بسیاری برای خروج از این حکم کلی انگاشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۶، ۱۲۳-۱۲۴؛ فاضل لنکرانی، ۱، ۴۳۲) در جایی که شوهر زن را در فشار و مضیقه قرار می‌دهد و او را از خروج از منزل نهی می‌کند، ادله این حکم از آن منصرف است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۶، ۱۲۳)

با بررسی و امعان نظر در این آراء، به نظر می‌رسد مطلق ممانعت زن از خروج، حتی در مواردی که با استمتاع شوهر منافای نباشد؛ مغایر حسن معاشرت با زوجه خواهد بود؛ چرا که در چنین حالتی معنای لباس بودن و موجب آرامش بودن زوجین برای یکدیگر محقق نخواهد شد؛ زیرا شارع مقدس در قرآن کریم می‌فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» گرچه لباس بودن زن و مرد برای یکدیگر، معانی مختلفی دارد که همگی در این آیه صادق هستند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ۹، ۵۳) اما برخی مفسرین معتقدند که لباس در اینجا اشاره به روابط خاص جنسی زوجین دارد (طبرسی، ۱۴، ۱، ۲۵۶). چنانچه برخی از فقها نیز بدین نکته تصریح فرموده و از مردان می‌خواهند که در این امر با زنان معاشرت به معروف داشته باشند و از خروج آنها از منزل ممانعت نکنند (گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۱۲۷). از دیگر سو،

از آنجا که صله رحم و ارتباط با ارحام و بستگان از واجبات تلقی می‌شود (خمینی، ۱۴۲۲، ۱، ۴۸۷)؛ لذا می‌توان گفت به طور کلی در خصوص واجباتی که مقدمه آن خروج از منزل است مانند معاشرت با بستگان اذن شوهر لازم نیست. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۶، ۱۲۴)

اگرچه در مواردی زوجه می‌تواند بدون اذن همسرش از منزل خارج شده و به ارتباط و معاشرت بپردازد، اما این حکم نیز مطلق نیست. با این توضیح که ریاست و قوامیت خانواده از جانب زوج ایجاب می‌کند که به پاسداری از حرمت و حیثیت خانواده همت گماشته و برای حفظ و تحکیم خانواده و حراست آن از هیچ کوششی فروگذار نکند. بنابراین زوج می‌تواند با لحاظ مصلحت خانوادگی خویش مراودات و ارتباطات زن را تحت کنترل درآورد. (پور عبدالله، ۱۳۹۳، ش ۶۶) برخی حقوق‌دانان نیز اذعان می‌کنند: «شوهر می‌تواند برای حفظ مصالح خانواده، معاشرت‌های زن و رفت‌وآمدهای او را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را تهدید می‌کند باز دارد، ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون اینکه دلیل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک خود یا اجرای فرایض مذهبی یا تکالیف اجتماعی باز دارد». (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱، ۲۱۱)

حق تمکین زوج و حریم جسمانی زوجه

عقد نکاح، زوجه را در قبال همسر در امور جنسی مکلف و مقید می‌نماید؛ یعنی زن تنها از وی تمکین نماید. بنابراین اصل حق استماع زوج نیاز به بحث و گفتگو ندارد؛ لکن در مورد حدود و قلمرو حق همسر در استمتاع اختلاف وجود دارد. لذا ابتدا قلمرو حق استمتاع زوج باید معلوم گردد تا عدم تمکین زن در امور جنسی تبیین گردد.

تبیین ماهیت حق زوج بر همسر

در مورد ماهیت حق زوج بر همسر اختلافاتی بین فقهاء وجود دارد که به اقوال بیان شده اشاره می‌نماییم. بعضی از فقهاء بر این باورند که به موجب عقد ازدواج منافع زن به تملیک همسر و سلطه وی بر آن تعلق می‌گیرد و زوج هر وقت که بخواهد می‌تواند از آن منتفع گردد.

شیخ طوسی بیان می‌کند: «إذا اجرت المراه نفسها للرضاع او غيره باذن الزوج صحت الجاره لانه حق لهما؛ و ان لم ياذن لها لازوج لم تصح الاجازه لانه لا دليل على صحتها» هرگاه زوجه خود را برای ارضاع یا کار دیگری اجیر کند، اگر به اذن زوج باشد؛ اجاره صحیح است در غیر این صورت صحیح نیست، زیرا دلیلی بر صحت آن وجود ندارد. (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۳۹)

علامه حلی در نقد نظر شیخ طوسی مبنی بر مالکیت همسر بر منافع زن می‌نویسد: «شوهر فقط مالک منافع استمتاع است». (حلی، ۱۴۱۳، ۶، ۱۶۰)

همچنین صاحب حدائق و شهید ثانی، مالکیت منافع استمتاع زوجه را می‌پذیرند. (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۱، ۶۰۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۵، ۲۰۸)

محقق ثانی عقد نکاح را موجب ملکیت منافع بضع زن برای زوج می‌داند. (کرکی عاملی، ۱۴۱۴، ۱۸۹)

در مورد ماهیت حق شوهر بر زن تحلیل دیگری نیز می‌توان ارائه داد و گفته شود: «زوج نه مالک منافع زوجه است و نه مالک بضع زن، بلکه صرفاً حق استمتاع دارد. مقتضای این تحلیل آن است که شوهر هر وقت که اراده کند می‌تواند از همسر خود به لحاظ جنسی منتفع گردد و زن بدون مانع مشروع نباید برای استیفای حق شوهر مانعی ایجاد کند. با این حال، شوهر نمی‌تواند در شرایطی که اراده استمتاع ندارد یا به دلیلی مثل سفر امکان فعلی آن وجود ندارد؛ همسر خود را حبس کند و از این طریق موجب تفویت سایر منافع وی شود. (ر.ک، هدایت نیا، ۱۳۹۶، ۱۴۰)

زن مانند هر انسانی بر جسم خود مالکیت و تصرف دارد و با اتکا به حریم جسمانی خود، جسم خود را از تعرض و تجاوز مصون می‌دارد، اما به‌کارگیری حق مزبور با حق تمکینی^۱ که زوج با انعقاد عقد نکاح به دست آورده است، ممکن است که تزاخم پیدا کند، به خصوص اگر زوجه برای ارضای نیاز جنسی همسرش، از نظر جسمانی و روانی در شرایط مطلوب قرار نداشته باشد.

ظاهر کلام فقها در منابع فقهی روشن‌گر این مساله است که تنها تکلیف خاص زوجه پس از عقد نکاح تمکین از زوج است؛ به طوری که نیازهای جنسی زوج را برآورد و از او در امور زناشویی اطاعت کند (نجفی، ۳۱، ۳۰۷؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳، ۸، ۳۶۱؛ حلی، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۱). به گونه‌ای که ناشز نبودن زن بدون هیچ خلافی در این امر تحقق یابد و هر زمان و مکانی را که در آن استمتاع حلال باشد، شامل شود (نجفی، ۳۱، ۳۰۳؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۶، ۱۱) از حکمت‌های لزوم این اصل، توجه به این نکته است که اگر زوجه مهیای تأمین نیاز جنسی همسرش نباشد و این نیاز را در درون خانواده پاسخ نگوید، به دلیل عدم تمکین مفاسدی برای شوهر در پی داشته باشد و چه بسا جامعه را نیز تحت‌الشعاع خود قرار دهد. همچنین، تفاوت زیستی مردان و فزونی غریزه جنسی در آن‌ها، نظام تشریع را ملزم کرده، از لحاظ حقوقی امتیازات بیشتری را برای شوهر قائل شده و مانع اقدام فسادانگیز مردان که سلامت اخلاقی جامعه را به مخاطره می‌اندازد، شود.

در شیوه و نحوه رفتار زوجین تأکیدهای زیادی در قرآن مجید به عنوان رفتار عرفی و متعارف شده است. به عنوان مثال: آیه «فَامْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ»^۲ و «وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضَرَارًا لِّتَعْتَدُوا»^۳.

۱. مراد از تمکین در این بحث، تمکین خاص و اطاعت زوجه در تأمین نیاز جنسی زوج است.

۲. پس آن گاه که صلاق داد یا رجوع کرده و به خوشی زن را نگهداری کند یا به نیکی رها سازد. (بقره، ۲۲۹)

۳. روا نیست که (زنان مطلقه را) به آزار نگه داشته تا بر آن‌ها ستم کنید. (بقره، ۲۳۱)

از این آیات، اصل کلی «معروف» استفاده می‌شود همان‌طور که آیات بیان می‌کنند: هر مردی در زندگی خانوادگی یکی از دو راه را باید انتخاب کند یا تمام وظایف را به خوبی و شایستگی انجام دهد یا رابطه و علقه زوجیت را قطع و زن را رها نماید ولی راه سوم به این که زن را طلاق ندهد و به خوبی و شایستگی از او نگهداری نکند؛ از نظر اسلام وجود ندارد.

بنابراین تمکین زن در برابر نیازهای جنسی مرد در مواقعی که مانع شرعی وجود نداشته باشد از وظایف و حقوق مرد شمرده می‌شود و گرنه با وجود موانع شرعی و عرفی، زوج نمی‌تواند همسر را وادار و اجبار به تمکین نماید چون موجب ضرر و عسر و حرج زوجه می‌گردد و اسلام هم نسبت به شیوه رفتار همسران با یکدیگر چنین شیوه‌ای را نمی‌پسندد.

بنابراین تمکین زن در برابر مرد مطلق نیست و مرد نباید از آن به عنوان ابزاری جهت خشونت و ضرر علیه زن استفاده کند بلکه رفتار و روابط زوجین در حوزه حقوق جنسی و غیر جنسی باید متعارف و نیک باشد.

معنای آیه «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ همین مطلب را بیان می‌کند. (فیض کاشانی،

۱۴۱۵، ۱، ۴۳۴)

برخی از نویسندگان حقوق بر این اعتقادند که در چنین شرایطی باید حریم خصوصی زوجه محترم شناخته شود (رحمدل، ۱۳۸۳، ۹)؛ چرا که با پذیرش تسلط زن بر بدن خود، رضای نیاز جنسی همسر بدون رضایت و داشتن آمادگی زوجه، نقض حریم خصوصی او محسوب می‌شود. در حقوق برخی از کشورها مانند انگلستان، مقنن برای رعایت حریم خصوصی زن در رابطه با شوهر خود مداخله کرده و مقرر داشته است که نه تنها رابطه جنسی با زن می‌باید با رضایت وی باشد، بلکه در هر مرحله از نزدیکی که زن رضایت اولیه خود را باز گیرد، مرد مکلف به احترام به حریم خصوصی زن است، در غیر این صورت ادامه رابطه جرم خواهد بود.^۲ چنین رویکردی، در نظام حقوقی ایران مقبول نیست، اما شریعت

۱. با آن‌ها در زندگانی خوش‌رفتار و با انصاف باشید. (نساء، ۱۹)

۲. andrew 1992: 301-302

مقدس اسلام، با برخی توصیه‌های استحبابی و اخلاقی به شوهران، شدت اهتمام خود را به بیان آداب آمیزش جنسی و آمادگی زوجه برای آمیزش جلوه‌گر شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۰، ۱۱۹-۱۱۷). با عنایت به چنین معیارهای اخلاقی از فحوی کلام روایات برمی‌آید که از منظر اسلام رضایت باطنی زوجه و آمادگی وی برای آمیزش شرط اخلاقی برای تمکین است. بنابراین در آموزه‌های اسلامی بر تأمین رضایت‌مندی زوجین در آمیزش جنسی توجه شده است (کریمیان صیقلانی، ۱۳۹۲، ۷۸-۷۹).

بر این اساس، ضابطه تمکین، رفتار انسانی متعارفی است که باید به شرایط روحی و جسمی زوجه و موانع شرعی و عقلی تمکین، در آن توجه شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۱، ۲۱۰).

با توجه به مباحث فوق درباره تقدم و اهم بودن تمکین یا حریم جسمانی، اگرچه زوجه مکلف به تمکین است و باید نیاز جنسی همسرش را برآورد، اما نظر به حدود تمکین (مهریزی، ۱۳۹۰، ۳۰۴) و حاکمیت اصل «معروف» در زندگی خانوادگی، شایسته است زوج شرایط جسمانی همسرش را در نظر بگیرد؛ آنچه در روابط جنسی زوجین مطابق عرف و شرع پذیرفته است؛ رعایت حدمتعارف و حصول لذت و بهره‌رسانی است به طوری که زوجین در عین حفظ کرامت و عزت انسانی، آرامش و طمانینه یافته و بدون دغدغه روحی مراتب انسانی را طی نمایند. چرا که اگر زوج به شرایط و احساسات زوجه توجه نداشته و تنها به ارضای نیاز جنسی خود بیاندیشد، مسلم است که روابط سرد و کم‌رنگ جایگزین کانون گرم خانواده خواهد شد. لذا تحکیم زندگی خانوادگی اقتضا می‌کند زوج حسن معاشرت داشته و موجبات استحکام بنیان زناشویی را فراهم نماید و به دنبال آن، جامعه نیز از ناپاکی‌ها مصون می‌ماند.

نتیجه

این نوشتار محدوده حریم خصوصی افراد را به طور عام در اسناد و معاهدات بین‌المللی و گستره حریم خصوصی زوجین را به طور اخص، در فقه اسلامی، مورد بررسی قرار داده است. از بررسی‌های به عمل آمده، معلوم شده است که اسناد و معاهدات بین‌المللی در محدوده حریم خصوصی زوجین دارای قوانین و مقررات بین‌المللی نیست و فقط به صورت کلی به غیرقابل تعرض بودن حریم زندگی خصوصی افراد و شرافت و حیثیت آنان پرداخته است و مصادیق حریم خصوصی زوجین را بیان نکرده است ولی از منظر فقه اسلامی مصادیق حریم خصوصی زوجین در زندگی خانوادگی به طور مشخص بیان شده و مورد تبیین قرار گرفته است و ادله فقهی و تفسیری مورد نیاز برای اثبات مصادیق حریم خصوصی و مقدم کردن حق اهم در جهت رفع تزامم حریم خصوصی با حقوق زوجیت به طور مبسوط ذکر گردیده است و همین امر جامعیت احکام اسلام را برای ما تبیین می‌نماید و گسترده بودن احکام اسلام در تمام زوایای مورد نیاز زندگی و بیان راهکارهای مناسب برای حفظ کرامت انسانها و رسیدن به مراتب بالای انسانی را اثبات می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت.
۳. انصاری، باقر، (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، سمت، تهران.
۴. -----، (۱۳۸۴)، حمایت از حریم خصوصی، اداره کل پژوهش و تدوین و تنقیح مقررات ریاست جمهوری، تهران.
۵. انصاری، مرتضی، (۱۳۷۴)، فرائد الاصول، انتشارات مصطفوی، قم.
۶. ایروانی، میرزا علی، (۱۴۰۶ق)، حاشیه المکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۷. امامی، سید حسن. حقوق مدنی، اسلامیه، تهران.
۸. احمدلو، مونا، (۱۳۹۲)، حریم خصوصی در فقه و حقوق ایران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۲.
۹. اصلانی، حمید رضا، (۱۳۸۹)، حقوق فناوری اطلاعات، مرکز فناوری اطلاعات ریاست جمهوری.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد، (۱۴۰۵ق)، الحقائق الناظره، قم: موسسه النش الاسلامی.
۱۱. راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۱۲ق)، فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام، دار العلم- دار الشامیه، بیروت.
۱۲. زحیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۲۱ق)، تفسیر الوسیط، دار الفكر المعاصر، بیروت.
۱۳. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۲ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم.

۱۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، تفسیر تسنیم، مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، قم.
۱۵. -----، (۱۳۷۵ش)، زن در آیینه جلال و جمال، مرکز نشر اسراء، قم.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، چاپ ششم، تهران.
۱۷. حلی (فخر المحققین)، محمد بن حسن بن یوسف، (۱۳۸۷ق)، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم.
۱۸. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه، انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، قم.
۱۹. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، قم.
۲۰. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت، قم.
۲۱. حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروه الوثقی، مؤسسه دار التفسیر، قم.
۲۲. حسینی بهسودی، محمد سرور، (۱۴۱۰ق)، مصباح الاصول، مکتبه الداوری، قم.
۲۳. حکمت نیا، محمود، (۱۳۹۰)، حقوق زن و خانواده، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، مدینه العلم، قم.
۲۵. خمینی، سید روح الله، (۱۴۲۲ق)، استفتائات، قم: دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۲۶. -----، (بی تا)، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم.
۲۷. -----، (۱۴۱۵ق)، المکاسب المحرمه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم ۱۴۱۵ق.
۲۸. سعدی، ابوجیب، (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقهی لغۀ و اصطلاحا، دار الفکر، دمشق.
۲۹. سبزواری، محمد باقر بن محمد، کفایه الأحکام، مهدوی، اصفهان.
۳۰. سروش، محمد، (۱۳۹۳)، مبانی حریم خصوصی، سمت، تهران.

۳۱. ضیائی بیگدلی، محمد رضا، (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل عمومی، گنج دانش، چاپ سی و چهارم، تهران.
۳۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیه، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران.
۳۳. طرابلسی، قاضی عبد العزیز ابن البراج، (۱۴۰۶ق)، المهذب، جامعه مدرسين، قم.
۳۴. طباطبائی، سید محمد حسین، (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعمی للمطبوعات، بیروت.
۳۵. -----، (۱۳۸۳)، سنن النبی، وحدت بخش، قم.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۹۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تعلیق هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، دارالمعرفه، چاپ دوم، بیروت.
۳۷. عاملی کرکی، (محقق ثانی)، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، موسسه ال البيت، چاپ دوم، قم.
۳۸. علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۸)، فقه و مصلحت، فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم.
۳۹. علی اکبری بابوکانی، احسان، (۱۳۹۱)، تجسس از حریم خصوصی افراد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران.
۴۰. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، امیر قلم، قم.
۴۱. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۲۰ق)، دنیا المرأة، دار الملائک، بیروت.
۴۲. کاشانی، محسن فیض، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، مکتبه الصدر، چاپ دوم، تهران.
۴۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی خانواده، شرکت سهامی انتشار، تهران.
۴۴. کریمیان صیقلانی، علی، (۱۳۹۲)، مبانی اخلاق جنسی در اسلام، دانشگاه گیلان، گیلان.
۴۵. کاتبی، حسین قلی، (۱۳۵۹)، حقوق و صنعت، تهران.

۴۶. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۴)، اصول فقه، ترجمه محسن غرویان و علی شیروانی، دارالفکر. چاپ سوم، قم.
۴۷. مقدادی، محمد مهدی، (۱۳۸۵)، ریاست خانواده (بررسی ماده ۱۱۰۵ ق.م)، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران.
۴۹. -----، (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، مدریه الامام امیر المومنین، قم.
۵۰. مجلسی، محمد تقی، (۱۴۰۶ق)، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم.
۵۱. موسوی گلپایگانی، (۱۴۱۳ق)، سید محمدرضا، إرشاد السائل، دار الصفوة، بیروت.
۵۲. مهریزی، مهدی، (۱۳۹۰)، شخصیت و حقوق زن در اسلام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۵۳. نجفی، محمد حسن، (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دارالحیاء التراث العربی، بیروت.
۵۴. هاشمی، محمد، (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، میزان، تهران.
۵۵. هدایت نیا، فرج اله، (۱۳۹۶)، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.

مقالات

۱. انصاری، باقر، (۱۳۸۳)، حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۶.
۲. قنواتی، جلیل و حسین جاور، (۱۳۹۰)، «حریم خصوصی؛ حق یا حکم»، حقوق اسلامی، ش ۳۱.

۳. پور عبدالله، جیل زاده، کبری، سمانه، (۱۳۹۳)، حل تزامن حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده، مطالعات راهبردی زنان، ش ۶۶
۴. رحمدل، منصور، (۱۳۸۳)، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰، ۱۳۸۳.
۵. محمدی پیرو، شریفی، احمد و احمد حسین، (۱۳۹۰)، «نقش مطلق گرایی در حل نزاحات اخلاقی» زمستان ۱۳۹۰، معرفت اخلاقی، سال دوم، ش ۴.

References

The Holy Quran

1. Ibn Ba Buwayh, Muhammad ibn Ali, (1413 AH), I do not attend the jurisprudent, Islamic Publications Office, Qom.
2. Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram, (1414 AH), Arabic language, Dar al-Fikr for printing, publishing and distribution, Beirut
3. Ansari, Baqer, (2007), Privacy Law, Samat, Tehran
4. -----.(2005), Privacy Protection, General Directorate of Research and Development and Revision of Presidential Regulations, Tehran.
5. Ansari, Morteza, (1374), Faraid al-Osul, Mostafavi Publications, Qom
6. Irvani, Mirza Ali, (1406 AH), Margin of Gains, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Tehran.
7. Imami, Sayyid Hassan. Civil Law, Islamic, Tehran.
8. Ahmadlou, Mona, (2013), Privacy in Iranian

jurisprudence and law, Majd Scientific and Cultural Association, 2013

9 .Aslani, Hamid Reza, (2010), Information Technology Law, Presidential Information Technology Center.

10 .Bahrani, Yusuf bin Ahmad, (1405 AH), Al-Hadaïq Al-Nazareh, Qom: Islamic Institute.

11 .Ravandi, Saeed Ibn Hiba Allah, (1412 AH), Fiqh of the Qur'an in the explanation of the verses of the rules, Dar al-Alam - Dar al-Shamiya, Beirut.

12 .Zahili, Wahba Ibn Mustafa, (1421 AH), Tafsir al-Wasit, Dar al-Fikr al-Maasir, Beirut.

13 .Jabai Ameli (Shahid Thani), Zayn al-Din ibn Ali, (1412 AH), The Schools of Understanding the Revision of Islamic Laws, Islamic Knowledge Foundation, Qom.

14 .Javadi Amoli, Abdullah, (2009), Tafsir Tasnim, Esra Publishing Center, second edition, Qom.

15. (1996)..... ,Woman in the Mirror of Glory and Beauty, Esra Publishing Center, Qom.

16 .Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, (1372), Legal Terminology, Treasure of Knowledge, sixth edition, Tehran.

17 .Halli (Fakhr al-Muhaqiqin), Muhammad ibn Hasan ibn Yusuf, (1387 AH), Explaining the benefits in explaining the problems of rules, Ismaili Institute, Qom

18 .Halli (Allama), Hassan Ibn Yusuf Ibn Motahar,

(1413 AH), various Shiites, Islamic Publications of the Seminary of Qom, second edition, Qom.

19 .Halli (researcher), Najmuddin Ja'far I, Ibn Hassan (1408 AH), Sharia al-Islam in the issues of halal and Haram, Ismaili Institute, second edition, Qom.

20 .Free agent, Muhammad ibn Hassan, (1409 AH), Shiite means, Al-Bayt Institute, Qom.

21 .Hakim, Sayyid Mohsen, (1416 AH), Al-Urwa Al-Wathqi, Al-Tafsir Institute

22.Hosseini Behsudi, Mohammad Sarwara, (1410 AH), Mesbah al-Osul, Maktab al-Dawari, Qom.

23 .Hekmatnia, Mahmoud, (2011), Women and Family Rights, Institute of Islamic Culture and Thought, Qom.

24 .Khoei, Sayyid Abu al-Qasim, (1410 AH), Minhaj al-Saleheen, Madinah al-Alam, Qom.

25 .Khomeini, Sayyid Ruhollah, (1422 AH), Istifta'at, Qom: Islamic Publications Office, Qom.

26. (.....No printing date), Tahrir al-Waseela, Dar Al-Alam Press Institute, Qom.

27. (AH), Al-Makasib Al-Muharram, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini, Qom 1415 AH.

28 .Saadi, Abu Jib, (1408 AH), Dictionary of jurisprudence for words and terms, Dar al-Fikr, Damascus

29 .Sabzevari, Mohammad Baqir Ibn Mohammad, Sufficiency of Rulings, Mahdavi, Isfahan

30. Soroush, Mohammad, (2014), Principles of Privacy, Samat, Tehran.
31. Ziaee Bigdeli, Mohammad Reza, (2008), Public International Law, Treasure of Knowledge, 34th edition, Tehran.
32. Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan, (1387 AH), The Expansion in Imami Jurisprudence, Al-Mortazavi Library for the Revival of Ja'fariyya Works, Tehran.
33. Tripoli, Judge Abdul Aziz Ibn Al-Baraj, (1406 AH), Al-Madhhab, Society of Teachers, Qom.
34. Tabatabai, Sayyid Muhammad Hussein, (1393 AH), The Balance in the Interpretation of the Qur'an, Public Institute for Publications, Beirut.
35. -----, (1383), Sunni Al-Nai, Unity, Qom.
36. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, (1498 AH), Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, correction and suspension by Hashem Rasooli Mahallati and Fazlullah Yazdi Tabatabai, Dar al-Ma'rifah, second edition, Beirut
37. Ameli Karaki, (Mohaqeq Thani), Ali Ibn Hussein, (1414 AH), Jame Al-Maqassid, Al-Bayt Institute, second edition, Qom.
38. Alidoost, Abolghasem, (2009), Jurisprudence and Expediency, Islamic Culture and Thought, Qom.
39. Ali Akbari Baboukani, Ehsan, (2012), Exploring the privacy of individuals, Imam Sadegh (AS) University, Tehran.

- 40 .Fazel Lankarani, Mohammad, Jame 'al-Masa'il, Amir Qalam, Qom
- 41 .Fazlullah, Sayyid Muhammad Hussein, (1420 AH) , The World of Women, Dar al-Malak, Beirut
- 42 .Kashani, Mohsen Feyz, (1415 AH), Tafsir al-Safi, Maktab al-Sadr, second edition, Tehran.
- 43 .Katozian, Nasser, (2009), Family Civil Law, Publishing Company, Tehran
- 44 .Karimian Siglani, Ali, (2013), Fundamentals of sexual ethics in the Islamic Valley, University of Guilan, Guilan.
- 45 .Katabi, Hossein Gholi, (1980), Law and Industry, Tehran.
- 46 .Muzaffar, Mohammad Reza (2005), Principles of Jurisprudence, translated by Mohsen Gharvayan and Ali Shirvani, Dar al-Fikr. Third Edition, Qom.
- 47 .Meqdadiyeh, Mohammad Mehdi, (2006), Head of Family (Article 1105 BC), Women's Social Cultural Council, Tehran
- 48 .Makarem Shirazi, Nasser, (1374), exemplary interpretation, Islamic Books House, Tehran.
49. ----- .(1424AH), Kitab al-Nikah, Madriyah of Imam Amir Al-Momenin, Qom.
- 50 .Majlisi, Mohammad Taqi, (1406 AH), Al-Muttaqin shrine in the explanation of the presence of the jurist, Islamic Cultural Institute of Kushanbour, Qom.

- 51 .Mousavi Golpayegani, (1413 AH), Sayyid Muhammad Reza, Irshad al-Sa'il, Dar al-Safwa, Beirut.
- 52 .Mehrizieh, Mahdiah, (2011), Personality and Women's Rights in Islam, Scientific and Cultural Publications, Tehran.
- 53 .Najafi, Mohammad Hassanah, (unpublished), The Jewel of Theology in the Explanation of Islamic Law, Dar Al-Haya Al-Tarath Al-Arabi, Beirut.
- 54 .Hashemi, Mohammad, (2003), Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran, Mizan, Tehran.
- 55 .Hedayatnia, Farajollah, (2017), Inviolability of couples in Iranian jurisprudence and legal system, Research Institute of Islamic Culture and Thought, Tehran.

Articles

- 1 .Ansari, Baqer, (2004), Privacy and its protection in Islamic law, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Vol.66
- 2 .Qanavati, Jalil and Hossein Javar, (2011), "Privacy; The Right or the Ruling ", Islamic Law, p. 31.
- 3 .Pour Abdullah, Jilzadeh, Kobra, Samaneh, (2014), Resolving the Conflict of Couples' Privacy with Marital Rights Based on the Interest of Family Consolidation, Strategic Studies of Women, Vol. 66
- 4 .Rahmadol, Mansour, (2004), "Human Rights to Privacy", Journal of the Faculty of Law and Political Science, Vol. 70, 2004.

5 .Mohammadi Piroo, Sharifi, Ahmad and Ahmad Hossein, (2011), "The role of absolutism in resolving moral conflicts" Winter (2011), Moral Knowledge, Second Year, Vol.4